

تبیین اخلاقی شیوه‌های مواجهه امام صادق علیه السلام در پاسخ‌گویی به سؤالات مخاطبان دینی به شیوه پرسش‌گری

مهدیه سادات مستقیمی*

کبری هواسی**

چکیده

در سیره اهل بیت علیهم السلام یکی از شیوه‌های مهم برای پاسخ به سؤالات «شیوه پرسش‌گری» است که پاسخگو آنرا برای ایجاد فضای پاسخ‌گویی مطلوب، بین خود و مخاطب شکل میدهد.

روش اخلاقی امام صادق علیه السلام در مواجهه با پرسش مخاطبان و جهت‌دهی سؤالات ایشان مسئله مقاله پیش‌رو است؛ بررسی توصیفی - تحلیلی سیره و کلام امام علیه السلام نشان‌دهنده استقبال ایشان از «پرسش‌گری» است. ایجاد انگیزه برای سؤالات بیشتر، منصرف ساختن پرسش‌گر از سؤال و تذکر سؤال فراموش شده از شیوه‌های اخلاقی ای است که امام علیه السلام در مقام پرسش‌گری مخاطبان به کار برده‌اند.

واژگان کلیدی

اخلاق، شیوه پرسش‌گری، اخلاق پاسخ‌گویی، امام صادق علیه السلام، اخلاق تبلیغ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

mmostghimi95@yahoo.com

*. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه قم.

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مدرسی اخلاق اسلامی و مدرس دروس معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

havasi.ghane@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

طرح مسئله

جستجوگری و کاوش در پاسخ‌ها و پرسش‌های امام صادق علیه السلام می‌تواند افق‌های نوینی از راهکارها و راهبردهای اخلاقی به سبک اسوه مدار و الگویی را برای ما بگشاید. و اصول ارزشی و اخلاقی و بایسته‌ها و شایسته‌های مرتبط (پرسش‌گری و پاسخ‌گویی) با الگوگیری از شیوه امام صادق علیه السلام را روشن نموده و راه برون رفت از برخی تعارضات مهم اخلاقی در موقعیت‌های مذکور را نشان دهد. در مورد رویکردهای اخلاقی در بحث پاسخ‌گویی و پرسش‌گری و مبتنی بر سیره امام صادق علیه السلام تا آنجا که استقرا گردید پیشینه پژوهشی قابل ذکری یافت نشد و خلأ پژوهشی محسوسی وجود دارد. هرچند تک‌نگاشت‌های پراکنده‌ای معطوف به جوانب بحث وجود داشت که با رویکرد اخلاقی به بحث پرداخته است.

کتاب‌هایی با موضوع روش و مهارت پاسخ‌گویی منتشر شده است. برای نمونه، *روش‌شناسی پاسخ‌گویی به پرسش‌های اعتقادی در فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم السلام* نوشته، محسن عباسی ولدی، و نیز *روش‌شناسی شیوه پاسخ به پرسش‌های دینی* نوشته محمدعلی محمدی، ناظر به اهمیت فرهنگ پرسش و همچنین اهمیت روش‌شناسی در زمینه پاسخ‌گویی پرداخته شده و کتاب *این‌گونه پاسخ دهید* نوشته، سید حسن هاشمی جزوی و ابوالفضل جعفری‌پور، که با نگاه خاص به پاسخ‌گویی نگاشته شده‌اند. مقاله «پرسش‌گری و پاسخ‌گویی در سیره پیشوایان» نوشته، حیدر احمدی، و مقاله، *گونه‌شناسی روش «پرسش و پاسخ» و کاربردی آن در پاسخ به مسائل اعتقادی از دیدگاه قرآن*، نوشته محمدجواد فلاح، ناظر به شیوه‌های کاربردی در مسائل اعتقادی نگاشته شده است.

وجه متمایز این مقاله با سایر مقالات انجام‌شده را می‌توان در محورهای زیر بیان کرد: اولاً؛ در این مقاله به اخلاق پرسش‌گری و پاسخ‌گویی توجه شده است و تحلیل و بررسی اخلاقی به سبک تدوین مطالب اخلاق کاربردی به انجام رسیده است. ثانیاً؛ از بین اقسام روش‌های پاسخ‌گویی به نحو پرسش‌گری یعنی همان روش سقراطی تأکید شده است و بررسی‌های اخلاقی پیرامون این روش به سبک نوین ارائه شده است؛ ثالثاً؛ در این مقاله سعی شده است موضوع مبتنی بر قول، فعل و تقریر امام صادق علیه السلام باشد. درحالی‌که در سایر تک‌نگارها چنین انحصاری که موضوع و مسئله را از وجه ویژه‌ای تخصصی می‌نماید، وجود نداشته است.

از امام صادق علیه السلام به صورت مستقیم و غیرمستقیم و در موقعیت‌های متعدد در زمینه‌های مختلف سؤالات متعددی می‌شد و ایشان در مقام پاسخ‌گویی، پاسخ‌های مختلفی را بیان می‌نمودند. در این مقاله سعی شده با رویکرد تحلیل محتوا و ضمن اشاره‌ای تبیینی به فنون روش

پاسخ‌گویی آن حضرت علیه السلام به بررسی اخلاقی سبک پاسخ‌گویی آن حضرت علیه السلام در مواقع مختلف پرداخته شود. نوآوری این مقاله هم در بررسی سبک پاسخ‌گویی امام علیه السلام است و هم بیان سبک پاسخ‌گویی و تقسیم‌بندی‌های مربوطه استخراج گونه‌های پاسخ‌ها براساس تتبع سیره امام صادق علیه السلام و منابع روایی مربوطه بوده و پیشینه‌ای یافت نشده است.

یکی از سبک‌های مهم و تحقیقی امام علیه السلام در پاسخ‌گویی این بوده که به‌جای آنکه خود پاسخ دهند پرسش‌هایی را به سبک‌های متفاوت مطرح می‌نمودند تا پرسش‌گر را به پاسخ رهنمون سازند. و نیز به بررسی‌های اخلاقی این نوع سبک پاسخ‌گویی که در قالب پرسش‌گری مطرح می‌شود، بیشتر تأکید شده است.

تبیین اخلاقی شیوه مواجهه امام صادق علیه السلام با سؤالات در مقام پاسخ‌گویی

امام علیه السلام در مقام پاسخ‌گویی در مرحله روبه‌رو شدن با سؤال موضع‌گیری‌های متفاوتی داشتند. و در همه مواضع لطایف و ظرایف اخلاقی توسط امام علیه السلام مورد ملاحظه قرار می‌گرفته است. ذیلاً به این مواضع در قالب نمونه‌های اشاره می‌شود:

۱. ایجاد انگیزه پرسش‌گری و استقبال از پرسش

گاهی اوقات فرد پرسش‌گر از جهات گوناگون در مقام سؤال مضطرب می‌شود. یکی از دلایل اضطراب هیبت و جلال فردی است که می‌خواهد از او سؤالی کند. امام صادق علیه السلام با تفتن بر این معنا گاهی اوقات با اخلاق کریمانه خود و با تعبیرات خاصی به فرد سائل آرامش خاطر می‌بخشیدند که با خیال راحت از ایشان سؤال بپرسند. توجه امام صادق علیه السلام به روحیه فرد و کاربرد برخی تغییرات برای نشان دادن استقلال خود از سؤال پرسش‌گر یکی از راه‌هایی هست که آن حضرت علیه السلام در مقام پاسخ‌گویی به انجام می‌رساندند.

چنانچه ابوشاکر دیضانی در حضور امام علیه السلام شرفیاب می‌شود و می‌گوید اجازه می‌فرمایی از مطلبی سؤال کنم؟ امام علیه السلام می‌فرماید: هرچه می‌خواهی سؤال کن. (شیخ صدوق، ۱۳۹۸: ۲۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳ / ۵۰)

نمونه دیگر از این شاخص این است که امام صادق علیه السلام گاهی خود را به‌عنوان مرجع پاسخ‌گویی معرفی کرده و به مردم می‌فرمود که از وی سؤالات خود را بپرسند و می‌فرمود:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَإِنَّهُ لَا يُحَدِّثُكُمْ أَحَدٌ بَعْدِي يَمِثِلُ حَدِيثِي. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۷ / ۳۳؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۲ / ۱۶۲؛ شیخ الشریعه اصفهانی، بی تا، ۴۰)

از من بپرسید قبل از اینکه مرا نیابید زیرا کسی بعد از من برای شما مانند من حدیث‌های مرا نخواهد گفت.

بررسی اخلاقی این رفتار نشان می‌دهد که از جهت اخلاق معاشرت، این نوع برخورد که بتواند زمینه ارتباط روحی و کلامی مثبتی را ایجاد کند ارزش فراوان دارد. از طرف دیگر آستانه برخورد و طلبه ایجاد ارتباط از جهت اخلاقی ارزش ویژه‌ای دارد و این نوع تعابیر علاوه بر آنکه سد فاصله را می‌شکند علامت تواضع و ایثار اخلاقی است.

در سیره امام صادق علیه السلام مشاهده می‌شود که ایشان هیچ‌گونه محدودیتی برای کسانی که اهل مذاهب مختلف بودند قائل نبودند و به سؤال‌های آنها پاسخ می‌دادند. چنان که «ابن‌ابی‌العوجا» که زمانی از شاگردان «حسن بصری» بود و سپس اعتقاد به توحید را رها کرد و ملحد شد در مکه خدمت امام صادق علیه السلام رسید و گفت: «ای ابا عبدالله! گفت‌وشنود در مجالس امانت است و باید محرمانه بودن آن حفظ شود و هر کس که در درون ناراحتی دارد، باید آن را بیرون بریزد. آیا اجازه سخن گفتن به من می‌دهی؟ امام علیه السلام به چنین شخصی اجازه سؤال داد...؛ (اربلی، ۱۳۸۱: ۲ / ۱۷۶؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۲۰۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۲۵۳) درحالی که می‌دانست او حق‌پذیر نیست. امام علیه السلام در موقعیتی گفتگو با چنین شخصی را پذیرفت که دانشمندان دیگر به علت کج خلقی و بد زبانش، وی را تحمل نمی‌کردند و به او پاسخ نمی‌دادند.

بررسی اخلاقی این نوع برخورد نشان می‌دهد که:

اولاً: نوعی احسان و گذشت در برخورد با افراد نالایق در این نوع پاسخ‌گویی وجود دارد.

ثانیاً: نوعی کرامت روحی و سعه صدر و حلم و بردباری اخلاقی نیز در این اقدام مشاهده می‌شود.

ثالثاً: نوعی سخاوت در عرضه اطلاعات نسبت به همه‌گان نیز در این رفتار قابل مشاهده است

۲. اعلام آمادگی امام علیه السلام برای پاسخ‌گویی

در شیوه پاسخ‌گویی امام علیه السلام به پرسش‌های مخاطبان، زمانی که آمادگی را در مخاطب می‌بیند، به پرسش او جواب می‌دهند، هرچند در مرحله اول موانعی مانع از حضور پذیرفتن و پاسخ مفصل به «عنوان بصری» می‌گردد، در همان مرحله نیز ایشان دلیل موجه خود را برای او مطرح می‌نمایند و وقتی آمادگی پذیرش جواب و عمل به آن را در او دیدند آنگاه او را به حضور پذیرفته و مستقیماً به سؤال او پاسخ مفصل دادند. تفهیم عذر عدم امکان پاسخ‌گویی به مخاطب این نکته اخلاقی را در برداشت که امام علیه السلام سعی می‌کردند که به فرد سؤال‌کننده بفهماند که عدم پاسخ‌گویی به وی از روی بی‌اعتنایی و تحقیر او نیست بلکه دلیلی دارد. (طبرسی، ۱۳۸۵: ۳۲۵؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۱۴۹)

۳. عذرخواهی از عدم امکان پاسخ‌گویی به سؤالات نامناسب و غیر ضرور

امام صادق علیه السلام به بهانه‌هایی کوچک و بزرگ و حتی مسئله مهمی نظیر کفر و ارتداد، پرسش‌گران را از پاسخ‌گویی محروم نمی‌کردند که این نشان‌دهنده اخلاق کریمانه ایشان در مقام پاسخ‌گویی است. یکی از سویه‌های اخلاق کریمانه امام علیه السلام این بود که وقتی با یقین و قطع مانع یا مفسده‌ای در پاسخ‌گویی تشخیص می‌دادند باز هم با بیان عذر و توجیه از پاسخ‌گویی امتناع می‌ورزیدند چنانچه فردی از جبر و تفویض می‌پرسید درحالی که دو یا سه بار دستان خود را بر هم می‌فشرد. فرمود: «لَوْ أَجَبْتُكَ فِيهِ لَكَفَرْتُ؛ اگر پاسخت را بگویم کافر می‌شوی». (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۶۳؛ مروارید، ۱۴۱۸: ۱۶۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۵: ۱۰۲)

۴. منصرف کردن پرسش‌گر از سؤال غیر ضرور

امام علیه السلام گاهی هنگام برخورد با سؤالاتی که غیر ضروری و یا نامناسب بوده و یا پاسخ به آن برای فرد پرسش‌گر ضرر داشته است موضع‌گیری ویژه‌ای می‌نمودند. به این صورت که با حفظ مراتب اخلاق سعی می‌کردند پرسش‌گر را از سؤال خود منصرف نمایند. نمونه زیر شاهدهی بر این مدعاست:

روزی عمار ساباطی گفت به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم فدایت شوم مایلیم به من اسم اعظم را بیاموزی. فرمود تو طاقت آن را نداری. وقتی من زیاد اصرار کردم فرمود: همان‌جا باش آنگاه از جای حرکت کرده داخل اطاق شد، بعد مرا صدا زد که داخل شو. من داخل شدم. فرمود این چیست؟ عرض کردم فدایت شوم برایم توضیح دهید. گفت امام دست بر روی زمین گذاشت دیدم خانه در حال دور زدن است چنان ناراحت شدم که نزدیک بود از بین بروم. امام علیه السلام خندید. عرض کردم فدایت شوم کافی است دیگر نمی‌خواهم. (کشی، ۱۴۰۹: ۲۵۴ - ۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷ / ۲۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۹: ۵۱)

۵. یادآوری سؤال پرسش‌گر به وی

گاهی امام علیه السلام به واسطه علم غیب که از ضمایر پرسش‌گران داشتند سؤالات ایشان را برای آنها یادآوری می‌نمودند. عائد بن نباته احمسی می‌گوید: بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدم و قصد داشتم درباره نماز شب از آن جناب سؤالاتی بکنم، ولی فراموش کرده بودم، گفتم: سلام بر تو باد ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمود: آری به خداوند سوگند من فرزند او هستم، اما با کسانی که فقط نمازهای پنج‌گانه را اداء کنند و از بقیه چیزی نپرسند خویشاوندی نداریم، من هم به همین اندازه اکتفا کردم. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴ / ۲۲۶؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۷۴؛ نوری، ۱۴۰۸: ۳ / ۵۴؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۵ / ۳۴۲)

تنوع سبک‌های پاسخ‌گویی امام صادق علیه السلام به سؤالات و رعایت مراتب اخلاق در آنها

در سیره تبلیغی امام صادق علیه السلام یکی از امور بسیار مهم و متداول، پاسخ‌گویی ایشان به سؤالات بوده که دارای ویژگی‌های فراوانی نظیر روشمندی، نظام‌مندی، و سودمندی و غایت‌مندی و ... است. سؤالاتی که از امام صادق علیه السلام می‌شده است، تنوع فراوانی دارد. و امام علیه السلام بنا بر سویه و جهت‌گیری، گونه، نوع و یا حتی سطح سؤال به روش‌های مختلف به آنها پاسخ می‌دادند و از این جهت روش‌های پاسخ‌گویی ایشان متفاوت می‌شده است. که به برخی از آنها در ذیل اشاره می‌شود: در یک تقسیم‌بندی ثنائی می‌توان روش پاسخ‌گویی ایشان را به الف) روش مستقیم؛ ب) و غیرمستقیم تقسیم کرد:

۱. روش مستقیم و ۲. غیرمستقیم

در روش مستقیم، با صراحت و سبکی گویا دقیقاً به سؤال فرد پرسش‌گر پاسخ می‌فرمودند ولی در روش غیرمستقیم گاهی با تمثیل و کنایه و گاهی با ارجاع دادن فرد پرسش‌گر به قرآن و گاهی با مواجه نمودن او با یک موقعیت معین به صورت غیرمستقیم به او پاسخ می‌دادند. چنانچه در حدیث عمار ساباطی هنگامی که از اسم اعظم سؤال می‌شود و حضرت به شکل غیرمستقیم جواب می‌دهند.

(کشی، ۱۴۰۹: ۲۵۴ - ۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷ / ۲۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۹: ۵۱)

برای نمونه اول (مستقیم) موارد زیادی در متون و جوامع روایی یافت می‌شود. از جمله می‌توان به این حدیث شریف اشاره نمود: داود رقی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من چطور از خدا بخواهم که امام را از من راضی کند، فرمود: بگو: ای خداوند من و امام من، ای آفریننده من و امام من، ای رازق من و امام من، اکنون امام مرا از من راضی کن. (طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۹۱)

درایت امام صادق علیه السلام به اینکه در چه موقعیتی و با چه مخاطبی به پرسش‌گر، پاسخ مستقیم بدهند. نشانه صدقی بر این حقیقت است که امام علیه السلام صراحت و گویایی و سادگی گفتار را که از بایسته‌ها و شایسته‌های اخلاقی است در گفتار خود ملاحظه می‌نمودند.

خط مستقیم کوتاه‌ترین فاصله بین دو نقطه است و وقتی فردی پاسخ مستقیم به سؤالی می‌دهد درحقیقت مخاطب خود را به کوتاه‌ترین راه هدایت می‌کند. و اخلاق نیز اقتضا دارد وقتی راهی کوتاه‌تر برای رسیدن به مقصود وجود دارد مخاطب از راه پرپیچ‌وخم‌تری هدایت نشود.

امام علیه السلام گاهی با اشراف خود به بر ضمیر و شاکله فرد پرسش‌گر می‌دانستند که این فرد تحمل پاسخ مستقیم به این سؤال را نداشته و قدرت درک پاسخ را ندارد. لذا به مقتضای عطف اخلاقی

نخست او را از این سؤال منصرف نمودند و هنگام اصرار پرسش‌گر به مقتضای عاطفه انسانی با نشان دادن گوشه‌ای از پیامدهای طرح پاسخ به صورت عملی و غیرمستقیم او را سؤال منصرف نمودند.

۳. شیوه امام علیه السلام در پاسخ‌گویی توصیفی

روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند عدل و توحید چیست؟ فرمود «توحید آن است که بر خداوند تجویز نکنی آنچه را که برای خودت جایز میدانی، عدل هم آن است که به خداوند نسبت ندهی آنچه را که مورد ملامت قرار گیری. (طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۹۱) چنانچه مشاهده می‌شود حضرت علیه السلام در مقام توصیف عدل و توحید پرسش‌گر را به عقل عملی خود ارجاع داده‌اند. و انصاف را که از شاخصه‌های اخلاقی وجودی هر انسانی است در وی بر انگیزته‌اند. و انگاه با بیدار کردن نفس اخلاقی در فرد توحید و عدل الهی را توصیف فرموده‌اند. و به او متذکر شده‌اند که اگر امری را که نسبت آن را به خود ظلم می‌داند به خدا نسبت ندهد.

۴. پاسخ‌گویی تعلیلی - تبیینی

گاهی امام صادق علیه السلام در مقام پاسخ‌گویی به ذکر علت‌ها می‌پرداختند و برای پاسخ ریشه‌ها و علل را یادآوری می‌کردند. چنان‌که در سفارش‌های خود به عبدالله بن جنبد فرمودند: «ای فرزند جنبد! در شب از خواب و در روز از سخن بکاه؛ زیرا سپاس نعمت چشم نسبت به دیگر اعضای بدن کمتر به جا آورده می‌شود. همانا مادر سلیمان به وی گفت: ای فرزندم! بپرهیز از خواب [زیاد]؛ زیرا در روزی که مردم به اعمال‌شان نیازمندند، خواب تو را فقیر و تهیدست می‌گرداند». (بروجردی، ۱۳۸۶: ۲۲ / ۱۷۱؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۲۴۷) در این نوع پاسخ‌گویی امام علیه السلام با متانت اخلاقی و تکریم شخصیت فرد پرسش‌گر افق‌های بیشتری را در مقابل چشم پرسش‌گر می‌گشاید. و سعی می‌کند چشم‌اندازی در مقابل پرسش‌گر باز کند که در آن فرد مخاطب ایشان زیرساخت‌ها و بنیادها و علت‌های پاسخ را نیز بداند و به جوانب آن مشرف شود.

۵. پاسخ‌گویی ساده و غیرساده

گاهی اوقات مخاطب در سطح قوی تخصصی و علمی بود. در چنین مواردی اخلاق اقتضا می‌کرد امام علیه السلام پاسخ‌های درخور شأن علمی مخاطب به او بدهند. بنابراین پاسخ‌های امام علیه السلام در بعضی موارد صعب و غیرساده بود. و گاهی امام علیه السلام برای ساده‌سازی یک پاسخ از شیوه تجسمی استفاده می‌کردند و یک مثال محسوس تجسم‌یافته را به پرسش‌گر نشان می‌دادند. حدیث زیر شاهدهی بر صدق این مدعاست:

روزی فردی زندیق بنام ابوشاکر دیصانی بر امام صادق علیه السلام وارد شده و گفت: ای جعفر بن محمد علیه السلام مرا به معبود و خدایم راهنمایی و دلالت کن! امام صادق علیه السلام فرمود: بنشین، در این وقت پسر بچه‌ای وارد شد که با تخم مرغی بازی می‌کرد، امام فرمود: ای پسر این تخم مرغ را به من بده. آن را گرفت و فرمود: ای دیصانی، این سنگری است پوشیده، که پوستی ضخیم دارد و زیر آن پوسته‌ای نازک است و زیر آن طلایی است روان و نقره‌ای آب شده و هیچ‌کدام با هم مخلوط نشده و به همان حال باقی است، نه مصلحی از آن خارج شده تا بگویند من آن را اصلاح کردم و نه مفسدی درونش رفته تا بگویند من آن را فاسد کردم و معلوم نیست برای تولید نر آفریده شده یا ماده، ناگاه می‌شکافد و طاوسی رنگارنگ بیرون می‌دهد، آیا تو برای این مدبری در می‌یابی؟! راوی گوید: دیصانی مدتی سر به زیر افکند و سپس گفت: گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه بی‌شریک نیست و اینکه محمد بنده و فرستاده اوست و تو امام و حجت خدایی بر مردم و من از حالت پیشین توبه‌گزارم». (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۱۹۲).

طبق مبانی کلامی شیعی امام صادق علیه السلام از موضع برتر و بالاتری جهان را درک کرده و آنگاه ناگزیر بودند در قالب‌های لفظی معمولی آن را منعکس نمایند. در هر حال وقتی دریای ژرف و عمق ادراک معصومین علیهم السلام در نظر گرفته شود و آنگاه نحوه ارتباط برقرار کردن آنها با اذهان و فطرت‌ها را مورد تحلیل قرار گیرد نشان از این حقیقت دارد که ایشان در اخلاق معاشرت خود سعی نمودند برای ایجاد رابطه مثبت با مخاطبان خود، در سطح مخاطب خود سخن بگویند و از همه معانی بلندی که در سینه داشتند فقط به بذل اشحائی که در سبوی ذهن مخاطب جای می‌گیرد بسنده نمایند. از دیدگاه اخلاقی این نوع عملکرد خود یک فعل اخلاقی محسوب می‌شود زیرا سنگینی و صعوبت کلام گاهی ممکن است موجب ابتر ماندن فهم مخاطب شود بلکه از جهت روحی نیز بین او و بین متکلم، فواصلی را ایجاد می‌کند و به اخلاق معاشرت صدمه می‌زند. بنابراین ساده‌سازی کلام در سطح مخاطب نه تنها معنون به‌عنوان رعایت اخلاق معاشرت در راستای ایجاد حس صمیمیت و همدلی است بلکه نشانگر از تواضع اخلاقی فرد پاسخ‌گو هم دارد. زیرا اگر فرد در سطح علمی بلندی پاسخ دهد ممکن است این حس در مخاطب لقاء شود که گویا این فرد در اوج علمی‌ای بالاتر از فهم من قرار دارد و همچنین ممکن است حس شکست علمی از درک مطلب بلند علمی به او دست دهد ولی ساده‌سازی سؤالات و ساده‌سازی پاسخ‌ها معنون شدن به بارهای اخلاقی مختلف می‌تواند این حس‌های ناروای اخلاقی را خنثی کند. سبک‌های پاسخ‌گویی امام صادق علیه السلام متنوع است؛ از جمله روش اقناعی و گاهی اسکاتی بوده است. مراد از پاسخ‌گویی اقناعی این است که حضرت به‌صورت مبسوط به پرسش‌گر جواب حلی می‌دادند

ولی مراد از پاسخ‌گویی اسکاتی این است که امام صادق علیه السلام به پرسش‌گر پاسخی می‌دادند که او را ساکت می‌کردند و گاهی این پاسخ‌ها به صورت جواب نقضی بوده است. (نه جواب حلی).
از یک نگاه دیگر می‌توان روش‌های پاسخ‌گویی امام علیه السلام را به روش‌های دیگر نیز تقسیم نمود:
الف) پاسخ‌گویی عقلی؛ ب) روش پاسخ‌گویی نقلی و حتی پاسخ‌گویی کشفی — شهودی و... تقسیم کرد. در همه این موارد امام علیه السلام در مقام پاسخ‌گویی به رعایت موارد اخلاقی می‌پرداختند. (به جهت محدودیت از ذکر نمونه‌ها صرف نظر می‌شود).

اخلاق‌گرایی در شیوه‌های پاسخ‌گویی امام صادق علیه السلام به پرسش‌های مخاطبان

تبیین اخلاقی روش پاسخ‌گویی امام صادق علیه السلام نشان می‌دهد که ایشان هم به اصول ارزشی اخلاقی و هم به فروع آن بسیار توجه داشتند. ذیلاً به برخی از مواردی که می‌توان آنها را با روش تحلیل محتوی و سایر روش‌ها استنباط کرد بیان می‌شود:

۱. رعایت ادب و صمیمیت با مخاطب

در لحن کلام هرچه مراتب ادب و احترام فزونی‌تر باشد نشانه وجود شاخصه‌های اخلاقی والاتری است. ارتباط کلامی امام صادق علیه السلام در مقام پرسش‌گری سرشار از اخلاق و همراه با کاربرست‌تعبیرات خطاب‌ی دلنشین و مؤدبانه بود و این شیوه باید الگویی برای گزینش لحن خطاب‌ی اخلاقی نسبت به پاسخ‌گو باشد.
از «ابان بن تغلب» روایت می‌کند که من در خدمت امام صادق علیه السلام حاضر بودم که مردی از اهل یمن به خدمت امام علیه السلام آمده و سلام کرد. آن حضرت جواب سلام او را داد و فرمود «مرحبا یا سعد» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۳۵۲؛ حر عاملی، ۱۴۲۲: ۴ / ۱۷۰). و همچنین از ایشان نقل است که امام صادق علیه السلام از مردی که پیش او آمده بود سؤالاتی را می‌پرسد و در ضمن سخنان او را با القاب محترمانه مورد خطاب قرار می‌دهد.

حتی گاهی باتعبیراتی همچون «یا ابا العرب» ایجاد صمیمیت می‌نماید که در پاسخ، شخص نیز ادب را رعایت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۵ / ۲۱۹؛ حر عاملی، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۷۹) و نیز زندیقی از مصر برای مناظره با حضرت به مدینه و بعد از آن به مکه آمده بود، حضرت او را چنین خطاب می‌کند: «یا ابا اهل مصر؛ ای برادر اهل مصر» و نتیجه مناظره وی با امام علیه السلام این بود که آن زندیق ایمان آورد و امام صادق علیه السلام یکی از اصحاب خود به نام هشام بن حکم را مأمور تعلیم آداب و شرایع به او نمود. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۷۳؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۲۹۴) بررسی اخلاقی این امر نشان می‌دهد که اولاً نوعی ادب و ثانیاً نوعی تواضع اخلاقی و ثالثاً نوعی مهرورزی در این تعبیر وجود دارد.

۲. پاسخ‌گویی بر طبق مقتضای حال و درک موقعیت مخاطب

بسیاری از اوقات افراد به مقتضای نیاز روحی و معنوی خود، یا بر حسب احتیاجات محیط زندگی و احکام دین، مسائلی می‌پرسید و امام علیه السلام به آنها پاسخ می‌دادند و سایرین می‌شنیدند؛ علوم مکتب جعفری علیه السلام سبک کلاسیک نداشت که هریک از شاگردان مخصوص ریاضی، طبیعی و کلامی انحصاراً آن بحث مربوط به خود را نقل کنند؛ بلکه وقتی سؤال می‌شد همه اصحاب، آن را به صورت روایت بیان می‌کردند. در نهایت هرکس ذوق و سلیقه‌اش در هر رشته بیشتر و قوی‌تر بود و شم علمی مخصوص داشت، درباره آن علم، مسائل و دقایقی بیشتر می‌پرسید و روی آن مسائل بحث می‌کرد. (عمادزاده، ۱۳۶۰: ۲ / ۹۹)

در بررسی اخلاقی این اقدام می‌توان موارد زیر را خاطرنشان ساخت:

اولاً: نحوه‌ای از عبور از خودبینی و فضیلت فاخر اخلاقی دیگرینی در این اقدام دیده می‌شود. ثانیاً: نوعی وسعت‌نظر و قابلیت انعطاف روحی در موقعیت‌های مختلف در این امر دیده می‌شود. ثالثاً: سخاوت علمی و تلاش برای سودرسانی واقعی و عینی به دیگران در این امر مشاهده می‌شود.

۳. ایجاد زمینه درک نیاز به پاسخ

یکی از نکات اخلاقی در اخلاق تبلیغ امام صادق علیه السلام این بود که وقتی طرف مقابل ایشان، نیاز خود را به توضیح بیشتر در نیافته بود حضرت برای او توضیحات زیادی نمی‌دادند بلکه سعی می‌فرمودند این زمینه را فراهم کنند که خود او به نیاز خود واقف شود و پس از آن حضرت توضیحاتی را بیان فرمودند چنانچه در نمونه زیر دیده می‌شود:

طیب هندی می‌گفت: شما دلیلی بر وجود صانع ندارید و آنچه می‌گویید در مکتب تربیتی خود یافته‌اید و کودکان از بزرگان فراگرفته‌اند. وی می‌گفت همه چیز با حواس پنج‌گانه درک می‌شود و هیچ‌یک از حواس من خالق را درک نمی‌کند تا من به خدایی معتقد شوم و بر قلبم چیزی نمی‌رسد تا خدایی را بشناسم؟

آیا غیر از این حواس چیزی دارید که مرا به خدا راهنمایی کند؟ خدایی را که وصف می‌کنید، به کدام حس درک می‌شود؟ امام علیه السلام با سؤالاتی که از طیب می‌پرسید، او را به مرحله شک و تردید می‌رساند تا جایی که خود طیب از امام علیه السلام می‌خواهد توضیح بیشتری بدهد تا شک و تردید از دلش پاک شود. امام علیه السلام به گفتگو ادامه می‌دهد تا جایی که هیچ شبهه‌ای در مسئله شناخت خداوند در دل طیب نمی‌ماند و با کمال صراحت اعلام می‌کند: «وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

وَ عِبْدُهُ وَ أَنْكَ أَعْلَمُ أَهْلَ زَمَانِكَ؛ گواهی می‌دهم خدایی جز الله وجود ندارد و رسول خدا بنده اوست چراکه داناترین فرد زمان خود هستی». (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱ / ۱۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰ / ۲۰۷ - ۲۰۵)

۴. واگذاری پاسخ‌گویی به دیگر اصحاب

واگذاری پاسخ‌گویی به سؤالات برخی از افراد به شاگردان ارشد از شاخصه‌های سیره تبلیغی امام صادق علیه السلام است. بررسی اخلاقی اصل این روش و همچنین تأمل اخلاقی پیرامون مصادیق روایات وارد شده در این زمینه افق‌نهایی در رهنمودها و راهکارهای اخلاقی به ما می‌نمایاند.

گاهی اوقات امام علیه السلام بنا بر مصلحت و حکمتی که تشخیص می‌دادند مستقیماً به پاسخ‌گویی به سؤالات افراد نمی‌پرداختند بلکه پاسخ‌گویی و مناظره را به دیگر اصحاب واگذار می‌نمودند. به‌عنوان مثال «یونس بن یعقوب» روایت کرده که مردی از اهل شام از امام صادق علیه السلام درخواست مناظره و پاسخ‌گویی به سؤالات نمود امام علیه السلام به یونس فرمودند یونس اگر علم کلام را خوب می‌دانی با او سخن بگویی، یونس ابراز حسرت کرد امام علیه السلام فرمود: بیرون برو و هریک از متکلمین را دیدی نزد من آور، گوید: پس من بیرون رفتم و حُمران بن اعین که خوب علم کلام را می‌دانست با محمد بن نعمان احول (مؤمن الطاق) که مردی متکلم بود و هشام بن سالم و قیس ماصر که آن دو نیز از متکلمین بودند نزد امام علیه السلام آوردم.

امام علیه السلام به آنان فرمود با او مناظره و مجادله کنند وقتی مؤمن الطاق و هشام بن سالم او را مغلوب کردند، حضرت بر لب تبسمی داشتند، و هنگامی که هشام بر او غلبه نمود، آن مرد گفت: به خدا قسم هم اکنون ایمان آوردم. (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۳۶۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۷۱؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۹۹).

چنانچه ملاحظه می‌شود در این روش برخورد امام صادق علیه السلام چند نکته اخلاقی وجود دارد:

۱. حضرت اخلاق تواضع علمی و دوری از خودمحوری را در این روش آموزش می‌دهند.
۲. حضرت با اخلاق کریمانه و بزرگواری خود در ضمن رعایت اخلاق پاسخ‌گویی، اخلاق شاگردپروری را مورد ملاحظه قرار می‌دادند. اخلاق شاگرد پروری مقتضی آن است که استاد فرصت‌هایی را رصد کرده و تمرین کارورزی به شاگرد خود بدهد.
۳. استاد با اعطاء فرصت پاسخ‌گویی به شاگردان ارشد، با اخلاق کریمانه خود حس اعتمادبه‌نفس را به آنها هدیه می‌کند.
۴. حضرت با تبسم و تقریر خود با این ابزارهای اخلاقی هم پرسش‌گر را به صحت پاسخ دریافت شده واصل می‌نمودند و هم به‌صورت رسمی پاسخ‌ها را تثبیت می‌نمودند.

۵. پاسخ‌گویی به سبک پرسش‌گری

یکی از سبک‌های پاسخ‌گویی امام علیه السلام این بوده است به‌جای اینکه خودشان پاسخ دهند به طرح پرسش‌هایی برای مخاطب می‌پرداختند که وی بتواند با کمک آن پرسش‌ها و پاسخ‌گویی به آنها، پاسخ سؤال اصلی خود را پیدا کند.

سؤالات و پرسش‌های امام صادق علیه السلام از اصحاب نیز دارای گونه‌های مختلف است. برخی از سؤالات ایشان مستقیم و برخی غیرمستقیم بود. برخی سؤالاتی بود که با «هل بسیطه» به انجام می‌رسید و با جملات کوتاهی بود و برخی با پاسخ‌های تفصیلی‌تر قابل پاسخ‌گویی بود. هیچ‌کدام از سؤالات آن حضرت علیه السلام به صورتی نبود که بتوان گفت استفهام واقعی‌اند زیرا این مطالب با مراتب علم غیب آن حضرت علیه السلام منافات داشت. ولی غرضی که در استفهامات و سؤالات آن حضرت علیه السلام وجود داشت متفاوت بود گاهی حضرت علیه السلام سؤالی استفهامی را مطرح می‌نمودند تا اینکه فردی به آن پاسخ می‌دهد و دیگران از پاسخ او استفاده کنند و حضرت علیه السلام با تقریر خود به آن رسمیت بخشند و یا آنکه آن را تصحیح کنند و دیگران از آن تصحیح و تعلیقه، نکته‌آموزی نمایند. گاهی غرض امام علیه السلام از سؤال در فردی این بود که فرد از جهل مرکب بیرون آمده و بداند که پاسخ این سؤال را نمی‌داند. ذیلاً به برخی از مواردی که می‌توان آنها را با روش تحلیل محتوا و سایر روش‌ها استنباط کرد اشاره می‌شود و سعی می‌گردد به تبیین اخلاقی شیوه امام در نمونه‌های مختلف همت گماشته شود.

یک. طرح سؤال به منظور تصحیح جواب

گاهی امام صادق علیه السلام برای اینکه مخاطبی مطلبی را بهتر دریابد نخست آن مطلب را به صورت سؤالی از او می‌پرسیدند «فضیل بن عیاض» گوید: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: می‌دانی «شحیح» کیست؟ گفتم: شحیح همان بخیل است، فرمود: نه شح از بخل بالاتر است، بخیل از مال خود بخل می‌ورزد، شحیح هم از مال خود دریغ می‌کند هم از مال مردم، چندان که آرزو کند هرچه مردم دارند به حلال یا حرام از آن او باشد، هرگز سیر نشود، و از رزق خدا سود نبرد». (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۴۵؛ دیلمی، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۳۸؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۲ / ۶۳)

این روش براساس قاعده‌ای که مربوط به علم النفس است و تبیین معرفتی مشخصی دارد به انجام می‌رسد و آن قاعده این است که: «لأن الشيء إذا ذكر أولاً مجملاً، ثم يؤتی به من بعد مفصلاً (مفسراً) یكون أوقع فی النفوس». (شبهاری صنعانی، ۱۴۲۳: ۲۵۱) اگر مطلبی را اجمالی بیان کنند و سپس آن مطالب را به صورت مفصل‌تر بیان فرمایند آن مطلب بیشتر در ذهن تنفیذ یافته و از جهت یادگیری و تثبیت امر فایده بسیار فراوان‌تری دارد.

از جهت اخلاقی اگر انسان بتواند راه هموارتر و مؤثرتری را برای ایفای یک مطلب برگزیند، بهتر است که حتماً از همین راه پیش برود. مسلم است که گاهی ممکن است فردی از روی «تعنت» سؤالی را از کسی بپرسد تا به پاسخ او ایرادی بگیرد یا ابراز فضلی کند یا جهل او را نشان داده و به رخ بکشد ولی اگر از کسی سؤالی شود و تا هنگامی که او پاسخ می‌دهد خودش از طریق این پاسخ‌گویی به جواب اصلی سؤال نزدیک شود و فرد پرسش‌گر با تصحیح و یا تعلیقه پاسخ او، پاسخ اصلی را به صورت روشن در اختیار او بگذارد و در صورت اخیر این امر هم از جهت علمی و فن یادگیری ارجحیت دارد و هم از جهت اخلاقی اگر در فضایی سالم و دور از هوای نفس و مرأ و مجادله به انجام رسد از بهترین طرق اخلاقی است. بنابراین این نوع پرسش‌گری در حقیقت نوعی پاسخ‌گویی محسوب می‌شود.

دو. طرح سؤال به منظور هدایت مخاطب به سوی کشف نقطه ضعف‌های خود

گاهی امام صادق (ع) برای اینکه فردی را متوجه نکته خاصی در شخصیت و رفتار وی کنند از او سؤالی می‌پرسیدند تا او پاسخ خود را بیان کند و امام (ع) با تصحیح پاسخ او با بیان نکته‌ای تعلیقی یا تاییدی یا نقضی و ... فرد پاسخ‌گو را به امر موردنظر متنبه می‌فرمود به عنوان مثال امام (ع) این هویت شخصیتی را در یکی از دوستان خود به نام مُرَازِمُ کشف فرمودند که وی نسبت به امام (ع) بسیار متعصب و غیرت دارد و در مقابل تضعیف و تخریب ایشان، برمی‌آشوبد و ممکن است در جنون عصبانیت به گونه‌ای با این امر مواجه شود که عواقبی را در پی داشته باشد. از این رو روزی با طرح سؤالی در این راستا و اخذ پاسخ از او، این ضعف شخصیتی او را متذکر و اخلاق کریمانه مواجهه با برخی تضعیف‌ها را به او یاد می‌دهد چنان‌که در توصیه امام صادق (ع) مشاهده می‌شود، مُرَازِمُ گوید که: امام صادق (ع) در مکه بود و به من گفت: یا مُرَازِمُ اگر شنیدی که مردی مرا بد می‌گوید چه می‌کنی با او؟ گفتم: می‌کشم او را فرمود که: ای مُرَازِمُ چون بشنوی از کسی بد گفتن مرا تعرض با وی مکن و تغافل کن،^۱ او گوید: چون از مکه بیرون آمدم نزدیک زوال بود روزی گرم، گرما مرا مضطرب ساخت تا آمدم به بعضی از خیمه‌ها که آنجا بود و قومی در آنجا فرود آمده بودند من نیز با ایشان فرود آمدم، شنیدم بعضی را از ایشان که بد آن حضرت می‌گفتند، به یاد قول آن حضرت آمدم، چیزی نگفتم و الا بدگو را می‌کشتم. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲ / ۴۲۶؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۲۰ / ۲۶۱)

چنانچه ملاحظه می‌شود در اصل این روش نکته بلند اخلاقی‌ای مورد توجه قرار گرفته است و آن

۱. تغافل به معنی نادیده انگاشتن، یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی است. امام صادق (ع) در اینجا به صورت اخلاقی و در کمال متانت به این فرد توصیه اخلاقی می‌کنند که به جای خشونت، تغافل کند.

اینکه به جای آنکه نقطه ضعف فردی تصریح شود با یک سؤال ماهرانه سعی شود که فرد خود به نقطه ضعف خود اقرار کند و آنگاه انسان در راستای بر طرف نمودن آن ضعف توصیه اخلاقی دیگری بنماید.

سه. طرح پرسش‌گری به منظور هدایت مخاطب به سوی پاسخ

امام صادق علیه السلام در بسیاری از موارد در مقام پاسخ‌گویی به پرسش‌گری پرداختند و با بیان مجموعه پرسش‌هایی جهت‌دار و هدفمند و با روشی نظام‌مند مخاطب را به سوی دریافت پاسخ خود و با فکر و تقطن خود رهنمون می‌شدند. بنابراین این الگوی پرسش‌گری، هر چند از الگوهای نوین یادگیری محسوب می‌شود، اما پیشینه‌ای تاریخی دارد و تاریخ آن در سیره تبلیغی امام صادق علیه السلام بسیار نمایان است. درباره سقراط نقل می‌شود که پدرش «مجسمه‌ساز» بوده و مادرش «ماما» بود. وی می‌گفت من در روش فلسفی خود تابع مادرم هستم. یعنی سعی می‌کنم با فراهم نمودن زمینه‌هایی عقل‌ها را بزایانم نه آنکه مجسمه‌ای را بسازم. گویا در آغاز دوره فلسفه نیز از این روش استفاده می‌شده است و سقراط یکی از نمونه‌های بارز افرادی است که از این روش بسیار استفاده می‌کرده است.

مسلم است وقتی انسان خودش با رجوع به فطرت دل به زایش می‌رسد، فرزند تولد شده‌اش روح دارد، ولی وقتی مجسمه‌ای ساخته می‌شود آن مجسمه فاقد روح است. به عبارت دیگر «فطرت» انسانی وسعتی عظیم دارد و گنجینه‌ای بی‌بدیل است و پاسخ بسیاری از سؤالات در آن وجود دارد و بسیاری از دانش‌ها با چالش در درون آن به دست می‌آید. امام صادق علیه السلام در سیره تبلیغی خود بسیار به این روش عنایت داشتند.

مکتب تربیتی‌ای که اصالت را به فطرت داده و در شیوه‌ها و روش‌های سوگیری اصلی را به سمت شکوفایی فطرت داشته باشد، می‌تواند مدافع خوبی برای به کارگیری الگوی اصلاح‌شده ساخت‌گرا و کاربرد آن در تربیت شهودگرای فطری باشد. مسلم است که از جهت اخلاقی اگر انسان بتواند در مقام پاسخ‌گویی، به جای ارائه یک پاسخ سعی کند فرد را به فطرت خود برگرداند تا او پاسخ‌ها را از فطرت خود دریافت کند و از این جهت به پاسخ خود بیشتر قانع و مشوق گردد فعل اخلاقی‌تر و زیباتری به جای آورده است.

هسته کانونی به کارگیری ابزاری این الگو این است که از فطرت انسان سؤال می‌شود و این مطلب انگیزش و تحریکی برای بازگشت انسان به فطرت و چشم‌گشودن او برای دیدار مجدد با مشهودات فطری اوست.

امام صادق علیه السلام در تعلیمات خودشان از همین روش استفاده فرموده‌اند؛ وقتی اراده می‌کردند مطلبی را به طرف انتقال دهند از بدیهی‌ترین مسائل شروع می‌فرمودند و به صورت سؤال می‌فرمودند:

که آیا این مطلب این طور است یا آن طور؟ چون مسئله روشن بود مخاطب همان طرفی را که فطرت به آن اذعان داشت انتخاب می‌کرد و همین که آن را به صفحه روشن ذهن می‌آورد امام (ع) سؤال دیگری در همان راستا و مترتب بر آن مطرح می‌کرد. و به همین صورت با طرح سؤالات متوالی و اخذ پرسش‌ها فرد مخاطب را به پاسخ مورد نظر از طریق خودش می‌رساند.

از هشام نقل است که گفت: در مصر فردی زندق می‌زیست که سخنانی از حضرت صادق (ع) به او رسیده بود، روزی به مدینه آمد تا با آن حضرت مباحثه کند؛ وی را نیافت، گفتند به مکه رفته، آنجا آمد، ما با آن حضرت مشغول طواف بودیم که به آن حضرت نزدیک شده و سلام کرد، حضرت پرسید: نامت چیست؟ گفت: عبدالملک (بنده سلطان)، کنیه‌ات؟ ابوعبدالله (پدر بنده خدا).

حضرت فرمود: این سلطانی که تو بنده اویی از سلاطین زمین است یا آسمان؟ و نیز بگو: پسر بنده کدام خدا است؛ خدای آسمان یا خدای زمین، بگو! ولی او ساکت ماند، باز فرمود: بگو! ولی لب ننگشود. امام فرمود: وقتی از طواف فارغ شدیم نزد ما بیا. زندق پس از پایان طواف امام (ع) آمده و در مقابل آن حضرت نشست و ما نیز اطرافش بودیم. امام بدو فرمود: قبول داری که زمین زیر و زبری دارد؟ گفت: آری.

فرمود: زیر زمین رفته‌ای؟ گفت: نه فرمود: پس چه میدانی که زیر زمین چیست؟ گفت: نمی‌دانم ولی گمان می‌کنم زیر زمین چیزی نیست! امام (ع) فرمود: گمان؛ درماندگی است نسبت به چیزی که به آن یقین نتوانی کرد، سپس فرمود: به آسمان بالا رفته‌ای؟ گفت: نه فرمود: می‌دانی در آن چیست؟ گفت: نه و نیز امام (ع) سؤالات دیگری را پرسیدند و سپس گفت‌وگو را بدون مخاصمه و مرء و جدال ادامه داد تا آنکه وی ایمان آورد و حضرت به هشام فرمود او را در نزد خود نگهدار و به او تعالیمی دیگر بده (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۱۹۷ - ۱۹۴) علامه مطهری می‌فرماید: در این روش یک دفعه طرف مقابل متوجه می‌شود که خودش به مدعا اعتراف کرده بدون اینکه فردی که از طرق پرسش پاسخ می‌دهد یک کلمه حرف زده باشد؛ یعنی از درون مخاطب جواب‌ها بیرون می‌کشیده می‌شود. (مطهری، بی‌تا: ۳ / ۴۷۸)

از جنبه‌های اخلاقی این روش را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

۱. استفاده از این روش که در مباحثات و مناظرات بسیار موفقیت‌آمیز و اخلاقی بوده است، زیرا از رقیب خود سؤالاتی می‌شود که رقیب به صورت غیرمستقیم با اذعان خود به پاسخ می‌رسد. در بسیاری از روش‌های مناظره، بالاخره برخوردها و گفت‌وگوهای پیش می‌آید و گاهی امر به مجادله و مشاجره می‌انجامد ولی در چنین روشی کمترین برخوردهای ضد اخلاقی پیش می‌آید و فضای پاسخ‌گویی و پرسش‌گری بسیار فضای سالم و اخلاقی خواهد بود.

۲. وقتی افراد در مناظره با فردی مغلوب او می‌شوند و در برابر پاسخ‌های او وادار به تسلیم می‌شوند. گاهی از جهت اخلاقی مایل به پذیرش شکست علمی خود نبوده و از همین جهت به «عناد» و «الحاد» می‌پردازند ولی وقتی خودشان با زبان خودشان به مدعایی رسیده‌اند که آنها را به تسلیم به حق و می‌دارد کمتر دچار ظهور این صفات رذیله اخلاقی می‌شوند.

۳. وقتی فردی با هدایت سؤالات مخاطب خود را به پاسخ می‌رساند در عین آنکه به پیروزی رسیده است ولی زمینه‌های ظهور صفات ضد اخلاقی نظیر عجب و فخر فروشی در این موقعیت در او کمتر است زیرا آنچه در ظاهر امر اتفاق افتاده این است که او فقط سؤالاتی ساده مطرح کرده است و مخاطب خود با فعالیت ذهنی خود و پاسخ‌گویی به سؤالات او به حقیقت دست یافته است.

نتیجه

رعایت جهات اخلاقی در شیوه‌های پاسخ‌گویی به پرسش‌های مخاطبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در سیره امام صادق علیه السلام در مقام پرسش‌گری و پاسخ‌گویی، خلأ پژوهشی محسوسی وجود دارد. در این مقاله به منظور استفاده از آثار تربیت اخلاقی اسوه‌مدار سعی شده الگوها و مدل‌هایی راهبردی‌ای به سبک مسئله‌محور برای تبیین سیره امام صادق علیه السلام ارائه شود. واکاوی و تأمل علمی پژوهشی در شیوه پاسخ‌گویی امام صادق علیه السلام (با تأکید بر سبک پاسخ‌گویی به شیوه پرسش‌گری) ضمن نشان دادن فنون این مهارت‌ها زمینه دستیابی به نقاط عطف توجه و رعایت ارزش‌ها و جوانب اخلاقی در پرسش‌گری و پاسخ‌گویی را نشان می‌دهد.

رعایت زوایای اخلاقی در روش تشویق مخاطب به پرسش‌گری و ایجاد زمینه سؤال و جواب و رعایت متانت و لطف در لحن پاسخ‌گویی و عذرخواهی هنگام عدم توانایی در پاسخ‌گویی، رعایت اخلاقی مقتضای حال مخاطب، واگذاری پاسخ‌گویی به دیگر افراد همراه با رعایت نکات اخلاقی (همراه با مستندات روایی) نشانگر ارزش‌های اخلاقی موجود در روش پاسخ‌گویی امام صادق علیه السلام در مقام تبلیغ دین است. یکی از روش‌های مهم امام صادق علیه السلام در مقام پاسخ‌گویی استفاده از شیوه پرسش‌گری هدفمند و نظام‌مند است. که با مخاطب قرار دادن فطرت بتواند فرد پرسش‌گر را به سوی پاسخ مناسب از سوی خود مخاطب هدایت نماید.

از جمله نتایج این مقاله این است که: هم در مواجهه با پذیرش پرسش مطابق مقتضای حال باید جهت‌گیری متنوعی نمود و هم اینکه در همه آن موضع‌گیری‌ها مراتب ادب و صمیمیت و تواضع را رعایت کرد. انتخاب واژه‌های نزدیک به مقصود در راستای تسریع و تبادل شفاف مطلب به ذهن

تبیین اخلاقی شیوه‌های مواجهه امام صادق علیه السلام در پاسخ‌گویی به سؤالات مخاطبان دینی ... □ ۶۱

مخاطب و حذف پیرایه‌های غیرضروری از سؤالات و ساده‌سازی سؤالات برای ایجاد یک رابطه صمیمی و هم‌افق با ذهن مخاطب خود در بردارنده جهات و ارزش‌های اخلاقی است که در سیره امام صادق علیه السلام مورد توجه قرار گرفته است و باید به‌عنوان الگو مورد اقتدای ما قرار گیرد.

استفاده از فن مهارتی طرح سؤالات روشمند و نظام‌مندی که در کمال آرامش و یک فضای بسیار شفاف و صمیمی پاسخ را از مخاطب دریافت نماید. یکی از روش‌های پرسش‌گری امام صادق علیه السلام است که در آن به نکات اخلاقی‌ای نظیر اصالت‌بخشی به دانسته‌های فطری مخاطب و اصل کرامت انسانی و ایجاد فضای اخلاقی آرامی برای بازیافت این دانایی‌ها توجه شده است.

منابع و مآخذ

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۸ ق، *توحید (الصدوق)*، قم، نشر جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳، *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*، قم، نشر علامه.
۴. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ ق، *کشف الغمه*، تبریز، نشر بنی‌هاشم.
۵. اصفهانی، فتح‌الله بن محمد جواد، (شیخ شریعه اصفهانی)، بی تا، *القول الصراح فی نقد الصحاح*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۶. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، ۱۴۱۳ ق، *عوامل العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال*، محقق و مصحح: محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام.
۷. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۳ ق، *مدینه معجز الأئمه الاثنی عشر*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۸. بروجردی، آقاحسین، ۱۳۸۶ ق، *منابع فقه شیعه* (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ترجمه عده‌ای از فضلا، ج ۲۲، تهران، نشر فرهنگ سبز.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۲ ق، *اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۱۰. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)*، قم، الرشید الرضی.
۱۱. شهاری صنعانی، علی بن عبدالله بن قاسم، ۱۴۲۳ ق، *بلوغ الأرب و كنوز الذهب فی معرفه المذهب*، تحقیق عبدالله احمد الحوثی، بی جا، مؤسسه الإمام زید بن علی.

۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۰۹ ق، *منیه المرید*، تحقیق رضا مختاری، قم، نشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی.
۱۳. طباطبائی، محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، *الرسائل التوحیدیه*، بیروت، مؤسسه النعمان.
۱۴. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *احتجاج*، ج ۱ و ۲، مشهد، نشر مرتضی.
۱۵. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ ق، *مشکاه الأنوار*، بیروت (لبنان)، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰ ق، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، ترجمه عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، نشر اسلامی.
۱۷. عمادزاده، حسن، ۱۳۶۰، *معلم کبیر زندگانی امام صادق (ع)*، ج ۱، تهران، گنجینه.
۱۸. فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علی (ع).
۱۹. فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، ۱۴۲۵ ق، *أنوار الحکمة*، قم، بیدار.
۲۰. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹، *رجال الکشی*، محقق و مصحح محمد بن الحسن طوسی، حسن مصطفوی، مشهد، نشر دانشگاه مشهد.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *التکافی*، محقق و مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۴، *مواظف امامان (ع)* (ترجمه جلد ۷۵ بحار الأنوار)، ترجمه موسی خسروی، تهران، نشر اسلامی.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار التراث العربی.
۲۴. مروارید، حسنعلی، ۱۴۱۸ ق، *تنبیهاة حول المبدأ والمعاد*، مشهد، آستان قدس رضوی.
۲۵. مطهری، مرتضی، بی تا، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
۲۶. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *ارشاد*، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، نشر ارشاد.
۲۷. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *الحکایات فی مخالافات المعتزله من العولیه*، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۸. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۹. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، *مستدرک الوسائل*، محقق و مصحح مؤسسه آل البيت (ع)، قم، مؤسسه آل البيت (ع).